

چراغ خاموش سلبریتی‌ها در تبلیغات انتخاباتی ریاست جمهوری

در گزارشی حضور بسیار کم‌رنگ اهالی فرهنگ و هنر در این دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری را بررسی کردیم.

به گزارش سایت خبری پرسون، در گزارشی حضور بسیار کم‌رنگ اهالی فرهنگ و هنر در این دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری را بررسی کرده ایم.

در بخشی از این گزارش می‌خوانیم:

* خرداد سال ۱۳۹۶ بود و شور و حال عجیب دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در بخش‌های مختلف کشور به وجود آمده بود، همه می‌خواستند در تعیین سرنوشت مملکتشان شریک و سهیم شوند، خیلی‌ها نشستند با کسانی که تصمیم داشتند در انتخابات شرکت نکنند گفتگو انجام دادند و سعی کردند آنها را قانع کنند که بیا بیاید اینبار در انتخابات شرکت کنید و به کاندیدای اصلح رای بدهید و اجازه دهید دولت قبلی به کار خودش در زمینه‌های مختلف ادامه دهد و اقدامات نیمه کاره خود را به اتمام برساند. چرا در این انتخابات جیک سلبریتی‌ها در نمی‌آید؟

* هنرمندان و اقدار برجسته و مشهور جامعه همواره طرفداران خاص خودشان را دارند، از امیر تتلو که لایوهایش بیننده میلیونی دارد تا بازیگران سینما مانند باران کوثری، امیر جعفری، پیمان معادی، الهام پاوه نژاد، شهاب حسینی، امیرحسین رستمی، ترانه علیدوستی، فاطمه معتمدآریا، مهرباب قاسمخانی، مهتاب کرامتی و... خوانندگانی مانند شهرام ناظری، کیهان کلهر، محسن چاووشی، حسام الدین سراج، امین الله رشیدی، سامان احتشامی، علی لهراسی، شهرام شکوهی و... این افراد با اینکه زندگی شخصی خود را دارند و اتفاقاً شاید برخی از آنها هیچ تلاشی برای ترغیب کردن مردم به رای دادن به کاندیدای رنگ بنفش نکردند اما همین که خودشان اعلام کردند که ما به فلان کاندیدا گرایش داریم و به او رای خواهیم داد سیل عظیمی از مردم (خاصه آنانی که رای خاموش بودند) را به سمت رای دادن به کاندیدای مورد نظر ترغیب کرده و رای خاموش آنها را به رای فعال تبدیل نمودند، نتیجه چنین اتفاقاتی این شد که رئیس جمهور دوره یازدهم برای دوره دوازدهم نیز در سمت خود باقی بماند و کار را تا چهار سال بعد ادامه دهد.

* خرداد ۱۴۰۰ از راه رسیده و دوره ریاست جمهوری کاندیدایی که چهار سال پیشترش با رنگ بنفش و با وعده‌ها و وعیدهای فراوان به ریاست جمهوری رسید رو به اتمام است و این یعنی حداقل باید نیمی از مردمی (خاصه هنرمندان) که در سال ۱۳۹۶ به او رای دادند به خواسته‌های خودشان رسیده باشند و اوضاع کشور (حداقل در حوزه فرهنگ و هنر) سر و سامانی جدی گرفته باشد، مردم عادی هم که ۴ سال پیش به پیروی از هنرمندان به کاندیدای رنگ بنفش رای دادند هم باید از رایی که به صندوقها انداختند رضایت داشته و به هدف‌های خود مبنی بر اصلاح وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی رسیده باشند. اما امروز در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۴۰۰ در حالیکه چند روز بیشتر به برگزاری سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نمانده، ۴ سال گذشته را که مرور می‌کنیم نه تنها شواهدی از بهبود اوضاع در بخش‌های مختلف نمی‌بینیم بلکه دستاوردهایی را مشاهده می‌کنیم که نتیجه تصمیمات اشتباه مسئولان محترم بوده، تصمیمات اشتباهی که متأسفانه دودش به چشم مردم رفته است.

* آنچه در این میان هویداست، اینکه هیچکدام از آن هنرمندانی که ۴ سال پیش انگشت‌های بنفششان را مقابل دوربین می‌گرفتند و به همه نشان می‌دادند امروز ساکت و خاموش نشسته‌اند و به قول معروف جیکشان در نمی‌آید. در همین بخش فرهنگ و هنر که هنرمندانش ۴ سال پیش با هزاران امید و آرزو پای صندوق‌های رای رفتند و رئیس جمهور محبوبشان را انتخاب کردند اوضاع آنقدر اسفناک شده که بیا و تماشا کن. اسفناکی این وضعیت از همان ابتدای دوره دوازدهم آغاز شد به نحوی که طولی نکشید همان هنرمندانی که رگ گردنشان در اثر فریادهایی که در حمایت از کاندیدای مورد نظرشان در ورزشگاه می‌زدند بیرون زده بود آرام آرام اظهار پشیمانی خود را از انتخابشان اعلام کردند و گفتند: «ما واقعا انتظار چنین وضعیتی رونداشتیم».

* امسال هم کاندیداها از این فرصت برای معرفی هرچه بیشتر و بهتر برنامه‌های خود استفاده می‌کنند و شعارهای تبلیغاتی خود را در میتینگ‌های مختلف بیان می‌کنند اما یک نکته عجیب در شعارهای تبلیغاتی تمام کاندیداهایی که در این دوره از انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده‌اند وجود دارد، نکته‌ای که در همین چند روز اخیر هم سر و صداهای زیادی به پا کرده است. اینکه هیچکدام از این کاندیداها در شعارهای تبلیغاتی خود هیچ سخنی از حوزه فرهنگ و هنر نکرده‌اند، هیچکدام بیان نکرده‌اند که برای چهارسالی که قرار است بر روی صندلی ریاست جمهوری تکیه بزنند چه برنامه‌هایی برای پیشرفت حوزه فرهنگ و هنر و بهبود شرایط هنرمندان دارند؟ تجربه نشان می‌دهد که این موضوع از دو حال خارج نیست.

* فرهنگ و هنر اساساً اهمیتی برای این کاندیداها نداشته و این یعنی قرار است اوضاع فرهنگ و هنر در چهار سال آینده در بهترین شرایط در بدترین حالتها باقی بماند و کشتی طوفان زده فرهنگ و هنر همچنان در گلی که به آن نشسته بماند و نه تنها اوضاعش بهبود نیابد بلکه بدتر اندر بدتر بشود. دوم اینکه کاندیداهای اصلاح‌طلب برای سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نسبت به هم‌تایان خود در دوره‌های قبل کمی هوشمندانه‌تر رفتار می‌کنند، به این مفهوم که در شعارهای تبلیغاتی خود آگاهانه وارد حوزه هنر نمی‌شوند و از پتانسیل آن برای معرفی خود و برنامه‌هایشان و همچنین

جمع‌آوری رای استفاده نمی‌کنند. به نظر می‌رسد کاندیداهای مورد نظر حتی اگر برنامه‌های فرهنگی و هنری خاصی داشته باشند هم ترجیحشان این باشد که شعارهای تبلیغاتی فرهنگی و هنری سر ندهند.

* خوب می‌دانند که هنرمندان از آنها حمایت نخواهند کرد و اگر حمایتی هم صورت بگیرد، مردم دیگر مانند چهار سال گذشته به پیروی و الگوبرداری از آنها به کاندیدای مورد نظرشان رای نخواهند داد. ضمن آنکه هنرمندان هم به خاطر اینکه ۴ سال پیش تیرشان در معرفی کاندیدای اصلح به مردم به سنگ خورد ترجیحشان این است که در این دوره سکوت اختیار کنند و یا اصلاً رای ندهند و یا اگر هم می‌دهند کاندیدای مورد نظرشان را برای خودشان نگه دارند و اسم او را جار نزنند!